

تأمین اجتماعی

غیره، حقیقت همگانی. دولت، موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.

بیست و شش سال تمام پس از تصویب قانون اساسی مذکور، این اصل مهم و «حق همگانی» هنوز از مرحله‌ی حرف به مرحله‌ی اجرا درنیامده است. البته نظام جامع تأمین اجتماعی در برنامه‌های توسعه (از جمله در برنامه‌ی سوم توسعه در سال ۱۳۷۹) مطرح شده است، اما در عمل تا امروز به‌جایی نرسیده است. در حال حاضر، نزدیک سی و پنج درصد جمعیت کشور از تأمین اجتماعی محروم‌اند.

درآمد کلان نفت، موهبتی طبیعی / الهی است که دولت‌های سابق و لاحق در ایجاد آن سهمی نداشته و ندارند. با چنین درآمدی، محروم‌بودن درصد بالایی از شهروندان ایرانی از تأمین اجتماعی اصلاً و ابداً قابل توجه نیست. تأمین اجتماعی نه تنها به دلایل حقوق بشری و کرامت انسانی، بلکه از جهت تحکیم قوام جامعه، توسعه‌ی سیاسی و فرهنگی و حتی حفاظت از نوامیس و معنویات جامعه ضروری است. ساده‌تر بگوییم: بهترین راه جلوگیری از جرائم مالی و اخلاقی، ایجاد تأمین اجتماعی برای عموم شهروندان است و به عبارت دیگر علل و عوامل ارتکاب جرم تا حد زیادی منبعث از نیازهای مالی است. گفتم تا حد زیادی، زیرا می‌دانم که قاچاقچیان، کلاهبرداران و اختلاس‌کنندگان همیشه فقیران و گرسنگان نیستند. دزدی‌های رانت‌خواران و مفسدان اقتصادی و اشتهای سیری‌ناپذیر ایشان در سوءاستفاده‌های کلان به دلیل آن نیست که این حضرات، تأمین نیستند. با این همه، از لحاظ آماری بالاترین علل بزهکاری‌ها، جرایم موادمخدر و سرقت است. در اکثر این موارد، فقر و بیکاری و عدم تأمین اجتماعی، دست‌کم در سرآغاز روی آوردن به جرم، زمینه‌ساز ارتکاب جرم شده است.

کسانی که از راهکارهای مشروع در جهت احساس تأمین اجتماعی مأیوس شوند، از جامعه می‌کنند، از خانواده، محله و میهن خود قهر می‌کنند و در مقام انتقام‌گیری از محیط به فرهنگ فقر و فقر فرهنگی دامن می‌زنند. آن‌گاه، دیگر یافتن همدلی در آن‌ها کار آسانی نیست. از سوی دیگر، تأمین اجتماعی زیربنای توسعه‌ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. کسی که تأمین اجتماعی نداشته باشد، بی‌تردید نمی‌تواند به‌طور مستمر و درازمدت مبارزه‌ی سیاسی کند. کسی که گرسنه باشد، نمی‌تواند کتاب و مجله بخرد و سطح آگاهی خود را ارتقا دهد؛ کسی که بیمار باشد، نمی‌تواند در برابر زور مقاومت کند.

به امید آن که همه‌ی ایرانیان، تأمین اجتماعی و امنیت قضایی داشته باشند.

■ حسن امین

□ کشور عزیز ما ایران، بی‌تردید به یک نظام جامع برای تأمین اجتماعی همه‌ی شهروندان نیازمند است، طرحی که پایه‌های آن، نخستین‌بار، با لایحه‌ی بیمه‌های اجتماعی کارگران در دوم بهمن ۱۳۳۱ در دوره‌ی حکومت ملی زنده‌یاد دکتر محمد مصدق تصویب شد و در پی آن با کمک «دفتر بین‌المللی کار» International Labour Office نخستین سازمان مستقل «سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران» در ایران شکل گرفت. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در پی افزایش نفوذ آمریکا و کاهش نسبی نفوذ انگلیس در ایران، اولاً آمریکا در دی ۱۳۳۳ دویست‌هزار دلار به وزارت کار ایران هدیه کرد و ثانیاً، مجلس شورای ملی در ۱۳۳۴، لایحه‌ی سابق دولت مصدق را با اصلاحاتی به تصویب رسانید.

دکتر مصدق می‌گفت: «من، دست کارگران را می‌بوسم». تشکیل سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران در دوران کوتاه حکومت ملی مصدق، بی‌شک نقطه‌ی عطفی در توسعه‌ی تأمین اجتماعی در ایران بود و به همین دلیل هم، در اولین اعتصابات کارگران پس از کودتای ۱۳۳۲ که در شهریور ۱۳۳۶ اتفاق افتاد، کارگران اجرای بیمه‌های اجتماعی را خواستار شدند. بعدها محمدرضاشاه هم از ترس تحریک کمونیست‌ها در ۱۳۳۷ هم‌زمان با کودتای عراق، در ایران صحبت از تأمین اجتماعی ایرانیان را تجدید کرد.

محمدرضاشاه، در ششم بهمن ۱۳۴۱ یکی از اصول «انقلاب شاه و ملت» را «تقسیم سود سهام کارخانجات بین کارگران» (برای مقابله با تبلیغات کمونیستی و جریان‌های چپ) عنوان کرد و پس از افزایش قیمت نفت، در ۱۳۵۳ با تشکیل «وزارت رفاه» به تقلید از انگلیس طرح‌های تأمین اجتماعی فراگیر را مطرح نمود. اما تمام این اقدامات تحت عنوان حمایت از حقوق کارگران و ایجاد تأمین اجتماعی، برای خنثی‌کردن تبلیغات چپی (کمونیستی) و مذهبی (عدالت اسلامی) در طول جنگ سرد بود. فراموش نباید کرد که حکومت فرقه‌یی آذربایجان در خرداد ۱۳۲۵ در آذربایجان طرحی برای بیمه‌ی کارگران گذرانده بود.

با این حساب، در اوج قدرت محمدرضاشاه، هر نوع حمایت جدی از اصول تأمین اجتماعی، از علائم چپ‌گرایی و مخالفت با رژیم شاهنشاهی تلقی می‌شد و چنین بود که انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با شعارهای آزادی سیاسی توأم با عدالت اجتماعی به پیروزی رسید. اصل بیست و نهم «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۵۸ صریحاً اعلام داشت که:

«برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و